

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه قم

مرکز تربیت مدرس

پایان نامه دکترا (Ph.D)

رشته کلام اسلامی

گزارش، تحلیل و نقد نظریه امر الاهی آدامز

استاد راهنما

جناب آقای دکتر محسن جوادی

اساتید مشاور

جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان

جناب آقای دکتر محمد لگنهاوزن

نگارنده

سیده منا موسوی

۱۳۸۸

شکر و ثنای بی‌پایان از

لطف و رحمت بی‌انتهای خداوند و عنایات حضرات معصوم علیهم السلام

خالصانه‌ترین سپاس و تقدیر از

اساتید محترم و بزرگوار، استاد راهنما جناب آقای دکتر محسن جوادی و

اساتید مشاور جناب آقای دکتر مصطفی ملکیان و جناب آقای دکتر محمد

لگنهاوزن که دلسوزانه مرا از رهنمودهای عالمانه خویش بهره‌مند ساختند

و تشکر از

تمامی عزیزانی که در این مهم یاری رساندند.

چکیده

در پی اشکالات وارد به نظریه امر الاهی سنتی، رابرت مری هیو آدامز در صدد برآمده است تا طرحی از این نظریه ارائه دهد که از آن اشکالات پیراسته باشد. او ابتدا نظریه‌ای در سطح معناشناختی در قلمروی لزوم اخلاقی مطرح کرد که در آن، درستی و نادرستی اخلاقی را به لحاظ معنایی مرادف با موافقت و مخالفت با امر الاهی گرفت؛ اما به جهت ایمن نبودن این تقریر از برخی اشکالات، در مرحله بعد با تفکیک مباحث معناشناختی از مباحث متافیزیکی، نظریه امر الاهی را در سطح متافیزیک ارائه کرد که در آن ماهیت درستی و نادرستی اخلاقی، نه معنای آنها، را وابسته به موافقت و مخالفت با اوامر الاهی دانست. آدامز، با توجه به شاخصه‌های معناشناختی لزوم، تبیینی اجتماعی از ماهیت لزوم اخلاقی ارائه داده، قوام لزوم را به مطالبه و امری می‌داند که از سوی فرد یا افرادی دیگر به انسان ابلاغ شود. سپس بهترین و مناسب‌ترین نامزد برای صدور اوامر را خدای خوب و مهربان می‌داند و از این راه، از نظریه امر الاهی در قلمروی لزوم اخلاقی دفاع می‌کند.

آدامز با محدود کردن این نظریه به قلمروی لزوم اخلاقی و پیش‌فرض گرفتن برخی مفاهیم ارزشی درباره خدا، سعی در استحکام این نظریه کرد. وی برای جمع بین وابستگی اخلاق به خداوند و پرهیز از اشکال خودسرانگی اخلاقی، از مفهوم «خوبی»، تبیینی دینی بدون استفاده از نظریه امر الاهی ارائه می‌دهد. او گرچه خوبی اعمال را وابسته به امر الاهی نمی‌داند، ولی با توجه به شاخصه‌های معناشناختی خوب، مناسب‌ترین نامزد برای ماهیت خوبی را ذات خداوند دانسته، خوبی هر چیز دیگر را در شباهت به او توصیف می‌کند و از این راه، در تبیین متافیزیکی خوبی، از نظریه شباهت به خدا دفاع می‌کند. خوبی مورد نظر آدامز خوبی ابزاری یا شخصی نیست، بلکه خوبی‌ای است که به جهت ذاتش به آن عشق ورزیده می‌شود و متعلق تمجید و تحسین ما قرار می‌گردد. تعبیر آدامز از این خوبی، «فضیلت» (excellence) است.

دیدگاه‌های آدامز در اخلاق ترکیبی از دیدگاه‌های افلاطونی و الاهیاتی است. نظریه ارزش او تا حد زیادی الگو گرفته از نظریه مثل افلاطون است، با این تفاوت که مثال اعلی از نظر آدامز، خوب متعالی، یعنی خداوند، است. آدامز ضمن آنکه از واقع‌گرایی در اخلاق دفاع می‌کند، مخالف دیدگاه‌های طبیعت‌گرایانه و حامی تبیین‌های فراطبیعی و الاهیاتی در اخلاق است.

با تأمل در دیدگاه آدامز، مهم‌ترین مشکل نظریه امر الاهی آدامز ابتدای نظریه‌اش بر تبیین اجتماعی از لزوم اخلاقی است و به نظر می‌رسد بتوان از وجود برخی مصادیق لزوم در بستر فردی و غیر اجتماعی دفاع کرد. ما نسبت به برخی امور تکالیفی را احساس می‌کنیم که حتی با فرض یگانه بودن ما در جهان این تکالیف وجود دارند. تبیین الاهی آدامز از خوبی نیز، برای پرهیز از مشکل خودسرانگی اخلاقی، در نهایت ناچار است مبتنی بر معیاری وجودشناختی گردد. البته آدامز از این حیث که غایت اخلاق را خداوند می‌داند، نظریه‌ای دینی و قابل توجه ارائه کرده است، ولی هنگامی که سؤال از مبنای نگرش‌های اخلاقی ما طرح شود، به نظر می‌رسد آدامز نمی‌تواند پاسخی الاهیاتی به مسئله دهد، مگر آنکه به برخی لوازمی تن دهد که خود از آنها دوری می‌جوید.

فهرست

مقدمه

۱. بیان مسئله تحقیق ۱
۲. ضرورت تحقیق ۲
۳. پیشینه تحقیق ۵
۴. روش تحقیق ۷
۵. سؤال‌های تحقیق ۷
۶. فرضیه‌های تحقیق ۸
۷. درباره‌ی آدامز ۸

بخش ۱ کلیات

۱. اصطلاح‌شناسی ۱۴
۲. تاریخچه نظریه‌ی امر الاهی ۲۱
- ۲-۱. در غرب ۲۱
- ۲-۲. در جهان اسلام ۲۳
۳. گستره‌ی تبیین‌های دینی از اخلاق ۲۶
۴. دفاع آدامز از چارچوب الاهی برای تمام اخلاق و اختصاص نظریه‌ی امر الاهی به قلمروی لزوم اخلاقی ۲۷
۵. تقریرهای مختلف از نظریه‌ی امر الاهی ۳۰
- ۵-۱. تقریر معناشناختی ۳۰
- ۵-۲. تقریر معرفت‌شناختی ۳۲

۳۳	۵-۳. تقریر روان‌شناختی
۳۳	۵-۴. تقریر وجودشناختی
۳۴	۶. تقریر آدامز از نظریه امر الاهی
۳۷	۶-۱. پاسخ آدامز به معضل ذوحدین اوئیفرون
۳۹	۷. گزارشی از بخش‌های رساله

بخش ۲ توصیف

۴۶	۱. مقدمه
۴۷	۲. روش‌شناسی آدامز
۴۷	۲-۱. تمایز میان جنبه معناشناختی و جنبه متافیزیکی بحث
۵۱	۲-۲. رابطه میان بحث معناشناختی و بحث متافیزیکی
۵۲	۳. دیدگاه آدامز درباره خوبی
۵۲	۳-۱. فضیلت: قلمروی نظریه‌پردازی آدامز
۵۶	۳-۲. خوبی به مثابه شباهت داشتن به خدا
۶۰	۳-۳. واقع‌گرایی در اندیشه آدامز
۶۵	۳-۳-۱. واقع‌گرایی در سطح فرااخلاق
۶۸	۳-۳-۲. واقع‌گرایی در سطح محتوایی اخلاق
۷۳	۴. دیدگاه آدامز درباره لزوم
۷۴	۴-۱. شواهد معناشناختی بر تبیین اجتماعی از لزوم اخلاقی
۸۴	۴-۲. دفاع از نظریه امر الاهی در تبیین ماهیت اجتماعی لزوم اخلاقی
۸۹	۴-۳. پاسخ آدامز به معضل ابراهیم

بخش ۳: تحلیل

۹۷	۱. مقدمه
۹۷	۲. وجهه افلاطونی نظریه اخلاقی آدامز
۹۹	۳. وجهه الاهیاتی نظریه اخلاقی آدامز
۱۰۳	۴. تقابل نظریه اخلاقی آدامز با نظریات طبیعت‌گرا
۱۰۹	۵. محوریت خوب در اندیشه آدامز
۱۱۱	۶. دو تقریر از نظریه امر الاهی؛ حرکت از معنا به سوی ماهیت

۷. نقش پیش فرض‌های ارزشی در اعتباربخشی به نظریه امر الاهی آدامز..... ۱۱۹
- ۷-۱. نظریه امر الاهی آدامز و مسئله امر خدا به ظلم..... ۱۱۹
- ۷-۲. راه‌چاره آدامز برای دفاع از استقلال اخلاقی در اعمال..... ۱۲۳

بخش ۴ بررسی و نقد

۱. مقدمه..... ۱۳۰
۲. مقایسه میان امر و اراده خدا برای تعیین لزوم اخلاقی..... ۱۳۱
۳. سازگاری یا ناسازگاری میان عشق به خدا و اطاعت از اوامر او..... ۱۳۳
۴. رابطه خوبی و لزوم اخلاقی در نظریه آدامز..... ۱۳۸
۵. نظریه امر الاهی و واقع‌گرایی..... ۱۴۰
۶. تبیین اجتماعی آدامز از لزوم..... ۱۴۳
۷. تبیین الاهیاتی آدامز از خوبی..... ۱۴۶
۸. نظریه مختار..... ۱۵۳
- ۸-۱. نظریه ارزش..... ۱۵۳
- ۸-۲. نظریه لزوم..... ۱۵۷
- کتاب‌نامه..... ۱۷۳

مقدمه

۱. بیان مسئله تحقیق

رابطه دین با اخلاق، و به طور مشخص تر رابطه خدا با اخلاق، همواره یکی از مسائل مطرح در میان اندیشمندان دین و اخلاق بوده است. در فلسفه غرب دیدگاهی که اخلاق را وابسته به خدا می‌داند، معمولاً در قالب «نظریه امر الاهی»^۱ بیان شده است. عنوان «نظریه امر الاهی» برای آن دسته از نظریات اخلاقی به کار رفته است که وجه مشترک همه آنها این است که امر یا اراده الاهی را بنیاد اخلاق به شمار می‌آورند. این نظریه در طول تاریخ طرفداران برجسته‌ای داشته است و برای آن امتیازات قابل توجهی ذکر شده است. اما با وجود امتیازاتی که برای نظریه امر الاهی برشمرده شده است، این نظریه همواره در معرض انتقاداتی جدی واقع شده است، به گونه‌ای که این انتقادات موجب شده است که طرفداران این نظریه به جرح و تعدیل‌هایی در این نظریه بپردازند و احیاناً تفسیری متفاوت از آن ارائه دهند.

همان‌طور که فیلیپ کوین^۲ می‌گوید، تقریباً از ربع آخر قرن بیستم در میان فیلسوفان تحلیلی دین، علاقه مجددی به اخلاق امر الاهی پیدا شده است. برای این فیلسوفان سه سؤال

^۱ divine command theory

^۲ Philip L. Quinn

مهم مطرح بوده است: بهترین بیان و دقیق‌ترین صورت‌بندی از وابستگی اخلاق به خدا چیست؟ چه استدلالی برای این صورت‌بندی قابل ارائه است؟ و چگونه می‌توان از این تقریر در برابر انتقادات دفاع کرد؟^۱ یکی از این فیلسوفان تحلیلی، رابرت مری هیو آدامز^۲ است که در عصر حاضر به دفاع از نظریه امر الاهی پرداخته است. وی به منظور حفظ امتیازات نظریه‌های امر الاهی و یافتن پاسخ‌های مناسب به انتقادات وارد بر آن‌ها، تلاش کرده است به انجام اصلاحاتی در نظریه امر الاهی بپردازد. هدف از پژوهش حاضر توصیف، تحلیل و بررسی دیدگاه‌های آدامز درباره نظریه امر الاهی است. در این پژوهش تلاش می‌کنیم تا دریابیم که تقریر نهایی آدامز از نظریه امر الاهی، در مقایسه با تقریرهای دیگر، چه خصوصیتی دارد، دلایل آدامز برای این تقریر کدامند، پاسخ او به اشکالات نظریه سنتی امر الاهی چیست، و چه انتقاداتی بر تقریر آدامز وارد است.

این رساله مشتمل بر چهار بخش است. بخش اول به طرح برخی توضیحات مقدماتی اختصاص دارد. در بخش دوم به توصیف دیدگاه آدامز می‌پردازیم و از آنجا که آدامز نظریه امر الاهی خود را در قلمروی درستی و نادرستی اخلاقی بر مفهومی خاص از خوبی مبتنی می‌کند، پیش از بیان تقریر آدامز از نظریه امر الاهی، دیدگاه او را درباره خوبی شرح خواهیم داد. در بخش سوم نکاتی تحلیلی درباره دیدگاه آدامز درباره خوب و درست بیان کرده و به مقایسه تقریر جدید آدامز از نظریه امر الاهی با تقریر سابق او می‌پردازیم. در بخش چهارم هم پس از ذکر برخی نقدها به دیدگاه اخلاقی آدامز، نظر نهایی خود را درباره آن بیان می‌کنیم.

۲. ضرورت تحقیق

نظریه امر الاهی گرچه از سابقه‌ای دیرینه برخوردار است، اما سؤال مهم در اینجا این است که

^۱ Philip Quinn, "Divine Command Theory," p. 53.

^۲ Robert Merrihew Adams (1937-)

با توجه به پیشرفت‌های علمی و فلسفی دوران مدرن، آیا هیچ زمینه‌ای برای طرح این مسئله و دفاع روشمند از آن در این زمان وجود دارد یا خیر. رابرت آدامز از فیلسوفان تحلیلی به نام در دوران جدید و صاحب آثار برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف فلسفه است که از نظریه امر الاهی دفاعی مستحکم به عمل آورده است. از این رو، توجه به شیوه استدلال آدامز در این زمینه که منطبق با جدیدترین تحولات علمی صورت گرفته است، حائز اهمیت است.

نظریه امر الاهی، در صورت اعتبار، با دیدگاه رایج دینی درباره خدا به عنوان موجودی مطلقاً برتر بسیار سازگار بوده و از این رو، انتظار متدینان از اخلاق را به خوبی برآورده می‌کند. علاوه بر این، طرفداران نظریه امر الاهی معتقدند که این نظریه می‌تواند برخی مشکلات دامن‌گیر فیلسوفان اخلاق را نیز برطرف سازد. یکی از دغدغه‌های مهم در فلسفه اخلاق همواره این بوده است که مبنایی مطلق برای اخلاق بیابند. از جمله امتیازاتی که برای نظریه امر الاهی برشمرده‌اند این است که این نظریه می‌تواند این‌گونه مبنای مطلق را برای اخلاق فراهم کند، چرا که در این نظریه ادعا می‌شود که منشأ اخلاق، اراده یک موجود شخصی است که در ورای عالم متغیر انسانی قرار دارد و می‌تواند مبنایی عینی برای اخلاقیات باشد (گرچه متفکرانی این امتیاز را برای نظریات امر الاهی رد می‌کنند و معتقدند که نظریه امر الاهی به فرض درستی آن، مبنای عینی و مطلق برای اخلاق فراهم نمی‌کند). پاول هلم در این زمینه می‌گوید:

یک دلیل قوی برای پشتیبان گرفتن دین برای اخلاق ترس از ذهنی‌گرایی و نسبی‌گرایی در اخلاق و این باور که تنها با ایتنای اخلاق بر اراده خدا می‌توان عینیت و تغییرناپذیری لازم را تضمین کرد، بوده است. برای مثال، بارها گفته شده است که اگر اخلاق از اراده خدا ناشی نشود، آن‌گاه «همه چیز روا خواهد بود».¹

¹ Paul Helm, "Religion," p. 1081.

امتیاز دیگری که برای نظریه امر الاهی برشمرده شده است این است که پاسخی مناسب برای «چرا اخلاقی عمل کنیم؟» فراهم می‌آورد. از دیدگاه دینی، ما در برابر خدا مسئول اعمالی هستیم که انجام می‌دهیم و باید پاسخ‌گو باشیم. کسانی که اعمال خوب انجام دهند، پاداش می‌بینند و کسانی که اعمال بد انجام می‌دهند مجازات می‌شوند. و در نهایت این خیر است که بر شر غلبه می‌یابد. از این رو، می‌توان به راحتی نتیجه گرفت که انجام اعمال خوب بر انجام اعمال بد ترجیح دارد.¹

اما این تمام مسئله نیست. برخی نظریه امر الاهی را از اساس نادرست می‌دانند، و برخی دیگر معتقدند که حتی به فرض درستی آن، این امتیازات را به دنبال ندارد. مخالفین نظریه امر الاهی به دو دسته کلی قابل تقسیم‌اند: کسانی که با وجود نادرست دانستن نظریه امر الاهی تلاش می‌کنند نظریه‌ای ارائه کنند که امتیازات ادعاشده برای نظریه امر الاهی را داشته باشد و کسانی که اخلاقیات را به اموری فرومی‌کاهند که به بهای از دست رفتن همه یا برخی از امتیازات مذکور می‌انجامد.

همه اینها نشان‌دهنده اهمیت بحث درباره نظریه امر الاهی و ارتباط آن با مهم‌ترین دغدغه‌های ما درباره اخلاق است. البته به این نکته باید توجه داشت که انکار نظریه امر الاهی، به طور خاص، و انکار ابتدای اخلاق بر دین، به طور عام، به هیچ وجه به معنای اتخاذ گرایش الحادی نیست. همان‌گونه که برخی نویسندگان یادآور شده‌اند، بسیاری از متفکران مدافع دین از طرفداران سرسخت استقلال اخلاق از دین بوده‌اند. از این رو، باید توجه داشت که علیرغم اهمیت این بحث از لحاظ علمی، اتخاذ هرگونه موضعی در این بحث لزوماً به اتخاذ موضعی خاص در قبال حقانیت دین منجر نمی‌شود.

¹ Michael W. Austin, "Divine Command Theory," *The Internet Encyclopedia of Philosophy*, <<http://www.iep.utm.edu/d/divine-c.htm>>.

انکار تقدم دين و وحى بر ارزشهاى اخلاقى يا انكار تقدم معرفت دينى (باور به خدا) بر معرفت اخلاقى، لزوماً اتخاذ يك موضع الحادى نيست. بسيارى از طرفداران استقلال ارزشهاى اخلاقى در مرحله تحقق و نيز در مرحله شناخت از دين و معرفت دينى، جزء بزرگان اهل ايمانند. در جهان مسيحيت كسانى چون توماس آكويناس از اين راي دفاع مى‌كردند و الان نيز وجه رايج تفكر كاتوليكي مسيحي همين است كه ميراث اندیشه آكويناس به حساب مى‌آيد.

در جهان اسلام بسيارى از بزرگان اهل اعتزال، همچون قاضى عبدالجبار معتزلى و نيز اعظم فيلسوفان و متفكران شيعى، همچون خواجه نصير طوسى، از تقدم ارزشهاى اخلاقى بر اوامر الاهى سخن مى‌گويند. در علم اصول فقه شيعى بحث دل‌انگيز تبعيت اوامر و نواهى الاهى از مصالح و مفسدات نفس‌الامرى (واقعى) بازتاب همين تفكر فلسفى شيعى است. حتى مى‌توان ادعا كرد كه يكي از انگيزه‌هاى مهم روى‌آورى معتزله به تقدم حسن و قبح اعمال بر امر و نهى الاهى، تنزيه ذات ربوبى از هر گونه وصف ناپسند اخلاقى بوده است.

اما از طرف ديگر نمى‌توان اين نکته را نادیده گرفت كه اهل الحاد در عصر حاضر، اعتقاد به تقدم ارزشهاى اخلاقى بر امر و نهى الاهى را وسيله خوبى براى حذف كلّى نقش دين در اخلاق و، به تبع، در حوزه‌هاى ديگر زندگى انسان يافته‌اند، ولى سوء استفاده كسانى از يك نظريه نبايد بهانه انكار آن قرار گيرد.^۱

۳. پيشينه تحقيق

هرچند آثار فارسى قابل توجهى درباره نظريه امر الاهى، به طور عام، وجود دارد، اما در تبعى كه انجام شد، به جز چند ترجمه و اظهار نظرهاى اجمالى در لابلای برخى مقالات، آثار قابل توجهى در خصوص نظريه امر الاهى آدامز يافت نشد.

ترجمه آثار آدامز درباره امر الاهى مشتمل بر اين دو مورد زير است:

۱. رابرت آدامز، «نظريه امر الاهى»، ترجمه سيد محمود موسوى، نقد و نظر، سال

^۱ محسن جوادى، «سرشت اخلاقى دين»، ص ۲۳۴.

دوازدهم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ص ۷۷-۱۱۵. (ترجمه مذکور ترجمه فصل یازدهم از کتاب جدید آدامز با عنوان *Finite and Infinite Goods* است که در آن تقریر نهایی آدامز از نظریه امر الاهی ارائه شده است.)

۲. رابرت آدامز، «اصول اخلاقی و اوامر و فرامین الاهی»، گروه ترجمه رشته تخصصی مؤسسه امام صادق (ع)، کلام اسلامی، شماره ۲۵، بهار ۱۳۷۷، ص ۷۰-۷۲ و شماره ۲۶، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۲۸-۱۳۴.

در برخی تألیفات یا ترجمه‌هایی که در موضوعات اخلاقی نگارش یافته‌اند، بخشی از آنها به معرفی و احیاناً نقد اجمالی نظریه امر الاهی آدامز اختصاص یافته است. برخی از این مقالات عبارت‌اند از:

۱. انشاءالله رحمتی، «اراده الاهی و استقلال اخلاق»، *اندیشه دینی*، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۸۴، ص ۶۱-۸۴.

۲. جاناناتان برگ، «پی‌ریزی اخلاق بر مبنای دین»، ترجمه محسن جوادی، *نقد و نظر*، ش ۱۳-۱۴، زمستان و بهار ۱۳۷۶-۱۳۷۷، ص ۲۰۴-۲۱۸.

۳. محسن جوادی، «سرشت اخلاقی دین»، *نقد و نظر*، سال دوم، شماره دوم، بهار ۱۳۷۵.

علاوه بر این‌ها، سمیناری، در ۲۳ مهرماه ۱۳۸۶، در پژوهشکده فلسفه تحلیلی در پژوهشگاه دانش‌های بنیادین برگزار شده است که طی آن آقای احمد رضا همتی مقدم به بحث از «الزام اخلاقی و امر الاهی» از دیدگاه رابرت آدامز پرداخته است. حاصل این سخنرانی در برخی روزنامه‌ها و سایت‌ها، از جمله در روزنامه *تهران/امروز* با عنوان «امر الاهی و انزوای فرد

گناهکار» بازتاب یافته است.^۱ پژوهنده مذکور گویا کتابی نیز در این زمینه نوشته‌اند که هنوز به مرحله انتشار نرسیده است.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی، روش توصیفی، تحلیلی و نقد عقلی است. گردآوری اطلاعات نیز به روش کتابخانه‌ای و با تکیه بر آثار مکتوب خواهد بود.

۵. سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی این تحقیق چنین است:

نظریه امر الاهی آدامز بر چه مبانی‌ای استوار است و چه نقدهایی بر آن وارد است؟

سؤال‌های فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱. آدامز در نظریه‌پردازی‌های اخلاقی خود از چه روشی استفاده می‌کند؟
۲. آدامز چه تبیینی از ارزش اخلاقی ارائه می‌دهد؟
۲. تبیین آدامز از لزوم اخلاقی چیست؟
۳. نظریه امر الاهی آدامز در مقایسه با نظریات اخلاقی دیگر چه ویژگی‌هایی دارد؟
۴. چه نقدهایی بر نظریه امر الاهی آدامز وارد شده‌اند یا قابل طرح‌اند؟
۵. آیا آدامز توانسته است از ابتدای ریشه‌ای اخلاق بر دین دفاع کند؟
۶. در باب ارزش و لزوم اخلاقی نظریه قابل دفاع کدام است؟

^۱ به نقل از: <https://www.aftab.ir/articles/religion/religion/c7c1195220595p1.php>. تاریخ دریافت، ۱۳۸۸/۱۱/۲۸.

۶. فرضیه‌های تحقیق

فرضیه‌های این تحقیق عبارتند از:

۱. مهم‌ترین مشکل نظریه امر الاهی آدامز ابتدای نظریه‌اش بر تبیین اجتماعی از لزوم اخلاقی است و می‌توان از وجود برخی مصادیق لزوم در بستر فردی و غیر اجتماعی دفاع کرد.
۲. تبیین الاهی آدامز از خوبی، برای پرهیز از مشکل خودسرانگی اخلاقی، در نهایت ناچار است مبتنی بر معیاری وجودشناختی گردد.
۳. آدامز از این حیث که غایت اخلاق را خداوند می‌داند، نظریه‌ای دینی و قابل توجه ارائه کرده است، ولی هنگامی که سؤال از مبنای نگرش‌های اخلاقی ما طرح شود، او نمی‌تواند پاسخی الاهیاتی به مسئله دهد و از ابتدای اخلاق بر دین دفاع کند.
۴. اقتضای وجودی ما، ما را به مراتب بالاتر وجود سوق می‌دهد و نگرش‌های اخلاقی ما بالاترین مرتبه وجود را نشانه گرفته‌اند. این فرضیه گرچه مبنایی وجودشناختی برای نگرش‌های اخلاقی ما معرفی می‌کند، ولی از آنجا که سمت و سوی همه نگرش‌های اخلاقی ما را به سوی خدا، به مثابه بالاترین مرتبه وجود، می‌داند تبیینی توحیدی و الاهیاتی عرضه می‌کند.

۷. درباره آدامز

رابرت مری هیو آدامز (۱۹۳۷-) فیلسوف معاصر آمریکایی است که در حوزه متافیزیک، فلسفه دین و فلسفه اخلاق صاحب نظر و دارای آثار است. تحصیلات او در دانشگاه‌های پرینستون^۱، آکسفورد^۲ و کرنل^۳ بوده است. بعد از اتمام تحصیلات، در ابتدا به مدت چهار سال

¹ Princeton

² Oxford

³ Cornell

(۱۹۶۸-۱۹۷۲) در دانشگاه میشیگان^۱ به تدریس فلسفه مشغول شد. سپس به دانشگاه کالیفرنیا در لوس آنجلس منتقل شده و در آنجا به مرتبه استادی فلسفه ترفیع رتبه پیدا کرد. در سال ۱۹۷۳ وارد دانشگاه ییل^۲ شده و به تدریس فلسفه اخلاق و متافیزیک پرداخت. هم‌چنین با به‌عهده‌گیری ریاست بخش فلسفه دانشگاه رونقی دوباره به این بخش بخشید. سرانجام آدامز از همین دانشگاه در سال ۲۰۰۳ بازنشسته شد. او هم‌اکنون در انگلستان به عنوان عضو ارشد دانشکده مانسفیلد^۳ دانشگاه آکسفورد، به صورت پاره‌وقت به تدریس مشغول است.

آدامز به لحاظ تحقیقات تاریخی، بر روی افکار و اندیشه‌های دو متفکر بزرگ، سورن کرکگور و لایبنیتز کار کرده و آثاری در این زمینه به نگارش درآورده است. او هم‌چنین آثاری در دو حوزه فلسفه دین و فلسفه اخلاق به نگارش درآورده است که به ویژه مقالات او درباره مسئله شر و نظریه امر الاهی بسیار تأثیرگذار بوده است. هم‌چنین سخنرانی‌های گیفورد^۴ با عنوان «خدا و وجود» در دانشگاه سنت آندروز^۶ در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ یکی دیگر از فعالیت‌های برجسته آدامز را تشکیل می‌دهد.

علاقه آدامز به مباحث فلسفه اخلاق، به گفته خودش، به دوران تحصیل او در دانشکده برمی‌گردد و مهم‌ترین دغدغه او در این مباحث، مسئله رابطه میان دین و اخلاق بوده است. آدامز خود معتقد است که هیچ کدام از فعالیت‌های فلسفی‌اش به اندازه نظریه‌پردازی درباره امر الاهی مهم نبوده‌اند. این نظریه‌پردازی او از مقاله «یک نظریه امر الاهی تعدیل شده در باب نادرستی اخلاقی» شروع می‌شود و به مباحث الاهیاتی و فرااخلاقی ارزشمندی منجر می‌گردد.^۷

^۱ Michigan

^۲ Yale University

^۳ Mansfield College

^۴ Gifford Lectures

^۵ "God and Being"

^۶ St. Andrews

^۷ Adams, "A Philosophical Autobiography" p. 27.

با این حال، حوزه فعالیت‌های فلسفی آدامز بسیار گسترده است. او علاوه بر نظریه امر الاهی، درباره مسائل مختلف فلسفی دیگر مانند وجود، هویت، ایده‌آلیسم، براهین خداشناختی، مسئله شر، ایمان، عشق، فرااخلاق و نظریه فضیلت اظهار نظر کرده است و به لحاظ تاریخی نیز علاوه بر کرکگور و لایبنیتز درباره کانت، دکارت، بارکلی و شلایرماخر نیز تحقیق کرده است. سؤالی که در اینجا جلب توجه می‌کند این است که چه چیزی می‌تواند این فعالیت‌های گوناگون را به یک‌دیگر پیوند دهد. این سؤالی است که گردآورندگان کتابی که در سال ۲۰۰۹ به افتخار آدامز منتشر کرده‌اند^۱، از خود آدامز می‌پرسند و پاسخ آدامز را به این صورت خلاصه می‌کنند:

آدامز ابا دارد از این‌که وحدت موضوعی کاملی را بر دیدگاه‌هایش تحمیل کند. برای مثال، او به یک بصیرت اولیه به عنوان سرچشمه همه تحقیقات فلسفی متعاقبش استناد نمی‌کند. و به حق چنین است - به تعبیر خود او، برخی عوامل کاملاً اتفاقی مانند درخواست‌های تدریس در مشاغل اولیه‌اش موجب برانگیخته‌شدن علاقه‌اش به برخی رشته‌هایی که در آنها اساسی‌ترین کارهایش را انجام داده است شده است.^۲

با این حال این نکته قابل توجه است که آدامز با انگیزه‌های دینی وارد فلسفه شده است. وی گرایشش به سوی الاهیات و در نهایت به سوی فلسفه را به جهت نیاز دینی‌اش به تفکر درباره مسائلی راجع به خدا و مسیحیت می‌داند. او وظیفه خود را این می‌دانسته است که یک الاهی‌دان باشد و معتقد بوده است که فلسفه مهم‌ترین رشته عقلی برای الاهیات است.^۳ آدامز تصریح می‌کند که «من، بی‌شک، با این اندیشه که از فلسفه برای حل دغدغه‌های دیگرم که

¹ Samuel Newlands and Larry Jorgensen, eds., *Metaphysics and the Good; Themes from the Philosophy of Robert Merrihew Adams*.

² Samuel Newlands and Larry Jorgensen, "Introduction," pp. 1-2.

³ Adams, "A Philosophical Autobiography," pp. 17-18.

دغدغه‌های دینی بودند استفاده کنم، مطالعه فلسفه را شروع کردم.»^۱ البته وی بعداً به این نتیجه می‌رسد که فعالیت فلسفی نباید به منظور حل دغدغه‌هایی دیگر باشد، بلکه باید به فلسفه از آن جهت که فلسفه است پرداخته شود. با این حال، در اینجا نیز او اهمیت این مسئله را اهمیتی دینی تلقی می‌کند: «به این نتیجه رسیدم که عمیق‌ترین اهمیت دینی فلسفه اقتضا می‌کند که فلسفه از آن جهت که فلسفه است انجام شود و به آن عشق ورزیده شود.»^۲ او حتی تصریح می‌کند که «اعتقادی به ترسیم مرزی دقیق میان فلسفه و الاهیات» ندارد.^۳

^۱ Ibid., p. 26.

^۲ Ibid.

^۳ Ibid., p. 29.

